

الكل

واثرات زیانبخش آن در بدن انسان

از راه تریا آور الكل پادها مورد بحث قرار گرفته در اینجا فقط از لحاظ علمی

بحث می شود :

کسی که الكل می شامد و الکلیست ، نایابده می شود ، در اثر شرب الكل دو نوع مسمومیت ایجاد می شود که تحت عنوان مسمومیت حاد و مسمومیت همراه در ذیر مسلسل می گردند .

الف - مسمومیت حاد = مستی ، گی خوده مرحله دارد :

مرحله یکم - ایجاد تحریکات تمايلی و دیابولی و منع سرعت تکلام است که گذشته اش بیادی می آید و آنرا می اراده بیان می کند ، بر بردا می خورد ، گاهی بی خودی می گردد ، عروق دهی می کند ، حرارت زیاد در او پیدا می شود در این مرحله است که ممکن است به آدم کشی باده باشد ، با کارهای پر جارت دست بزند و اگر در این حالات هم شود کشی کند با سرعت خیلی زیاد خواهد بود ، دستهای جان خود و مردم را فراموش می کند .

مرحله دوم - رخوت و سنتی پیدا می کند ، سرگیجه و عدم تعادل دارد : چشم اش بر افروخته و کشش ندارد . پسرخسته سقوط می کند ! تلفوت می شود و آنچه مبینند و می شنود داشی است .

مرحله سوم - خواب آسودگی دارد : استخراج می کند ، و ممکن است پسرها خود را می دهارند در اینحالات دیده شده پس از چند ساعت خواب ، اینحالات بر طرف می شود ، خشکی دهان و بینکن و سر درد دارد و گاهی سکته قلبی دست می یابد .

ب - مسمومیت همراه

گاهی کسانی داشتند که مشربات الكلی می شوند اینها دچار مسمومیت همراه از الکلیست می شوند اینها اگر فشار سوزش مده می شوند ، صبح ها در بیان باردار و تلخ است و درم مده پنهان می شوند . کبد دردناک دارد ، ممکن است بهیر قان دهار شوند ، دچار تشمع کبد گردند ، خابشان ناسالم و تصلب شرائین و فشار حرون زیاد و جهره بصف آسوده گوش ها و بینی کبوه دارند . تورم قلب و عدم تکاف قوه قلب (که کشنده است) سر از بیان در دنای را برایشان پوشیده

میکنند مداد آیشان دور که میتواند کلیه نسایی سرخ و سفید کم بشوند! مسموم در اعصاب این افراد نمایند و درد عصبانی دارند و عصب ایشان رو بکوچکی میرود! بندانی کامل نمیتواند، اشتها ندارند و اینها را کم میکند و نامنجم، آنها بد میتوانند و مدار آیشان بمحض میگذرد.

قوایی دواني دیگار نهضت است : حافظه‌دان نیز هنریق مبشرود و غالباً عیانی موافقت
نموده‌اند که این نهضت ! دارای چند بابانی عبور نمی‌کنند ، افق شعور آنم مبشرود : سده‌های غیر
موجود می‌شوند و موجودات نامنی پیغام‌ران می‌اید : هلا خورمیکنند ساری‌اگر بسیارها
حده کرده اینست که دیگار وحشت نمی‌شوند و فرماده‌ای وحشت ایگر درین آور میرست .
بین خواب و بیداری سیر عیمیکنند : عکس‌ای اینکه شان چنان‌داده‌حاله می‌کنند که پس کسر رمایند و چن
و ناس امیگویند و از ترس اشیاع حیالی از خانه فرار می‌کنند خواص‌ای غرستاک من بینند : خواب
من بینند دزدی‌باوه‌له کرده : از خواب برخیزد کارد باطنها نجه بدست می‌گیرد و بعد با یکی
از افراد احتماله داده شد اورا آذمازد آوره ؟ باهود و حمله در ازدهد .

فرزدسان چن حانواده‌ای داشت و حشت هستند! سر زرد! برخته تو هست: و بدن موست
دعاش دعا پر حشرات و بایران مددگاری که در تقویت وجوده بدارند دچار عذاب «البیض» می‌اراد
پا زیر گیر رفیای سوپیش است: این و قریباً پیش‌فل ادسته‌گی دارد. اگر قضاپ است در عیال خود
داشت آنکه سوپیش می‌شد: این‌راز است پاره سوپیش شد: اگر ادراره آوری پس از لخته‌نمای
دوباره گرفتار کاپوس خوبیش می‌گیرد

گاهی افراد میگویند دیوار بهمناره ای اون میسود - دیوار دوال عقل میشود ؟ در این
نداشتن حق درست دیگار نمی شد - این از هزار خوردن یا افذاختن از ساعای باند و با
افذاختن درجه حریق آب میگردد - سرمه وردگی و ذات الریه و راشکنگی سرو و سرمهای واوده
بر عذر عنید بر عوارض قوق زندگی در اینکی برایش ایجاد نشاید . تا اینجا انتباش و تلاعیص
از کتب پزشک است - خوب است شایر گیر افمایه (سفر) برای بخاطر آوریم که بعزماید :
یه خواری چیزی که خوددن آن بجهالت از علوم انسان سرمه شاید بختر سرو و جوشانی
گر کشی غریبه گویند که وی کرده من ورکنی بخشش گویند که من گرد نهادی
نه احتقال علیل که اختلال روانی داشتم فرزان مردم الکلیسم هستند تا بعد بشایر
ذیان آور هستکرات بر روی احتقال اتر میگذارد ۴۰۰/۱۰۰ . شخص مدروع و احمق از روی آمار
دقیق خارجی مملو از الكل پدیدان این نوع بهماران است همچنین اشخاص ناقص العلت در آثار
ذوق حساس شده .

۲۲) تخلص احتمال مربوطة بالکلریسم اولیای آنهاست؛ لایل و کریم‌در رادی: انواع
فلوج‌ها، جزوی‌های مختلف و بیماری‌های خوب را برخادرنگند.
اثر انتزاعیان آور احتیاطی واربین و فتن عالمک در این اشخاص دلکریمه‌ای داشت آنها و
ضررها مادی و معنوی آن اظہر من الشمن است و احتیاط بشرس و بسط مداره.